



بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی - 30 / خرداد / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين.

خوشامد عرض میکنم به برادران و خواهران عزیز، نمایندگان محترم؛ امتیاز دیدار امسال ما به این است که بحمدالله جمع کارکنان بخشهای مختلف مجلس شورای اسلامی امروز در جلسه‌ی ما تشریف دارند و حضور دارند؛ بخشهای مهمی که زیرمجموعه‌ی مجلسند و مدیران و مسئولان و کارکنان؛ به همه‌ی شما خوشامد عرض میکنیم، از همه‌ی شما به خاطر زحماتتان تشکر میکنیم و از خداوند متعال افزونی توفیقاتش را برای شما و برای خودمان در راه هدایت و اصلاح مطالبه میکنیم و درخواست میکنیم.

اولاً به مناسبت این ایام، این ایام تازه از ماه رمضان فاصله گرفته‌ایم و تا حدودی در حال وهوای رمضانیه‌ی همنوز هستید و ان شاءالله هستیم؛ من یک چند جمله‌ای عرض کنم. روح خدمت، تقرب الی الله است؛ همه‌ی کارهایی که شما میکنید، چه در صحن مجلس، چه در کمیسیون‌ها، چه در دستگاه‌های مرتبط با مجلس - همه‌ی این خدمات - اگر چنانچه برای خدا و در راه خدا انجام بگیرد، خدمت واقعی است و مایه‌ی تقرب الی الله است؛ حقیقتاً کمتر عبادتی برابری میکند با این جور خدماتی، در صورتی که برای خدا انجام بگیرد. این روح معنوی و الهی اگر حاکم بشود بر فعالیت‌های ما، بر اقدامات ما، بر حرف زدن ما، بر سکوت ما تأثیرش این است که جامعه را اعتلاء میبخشد، و انسانها را به جوهر حقیقی خودشان که مطلوب انبیای الهی است نزدیک میکند. ماها اسیر ماده‌ایم؛ نگاه ما، چشم ما فقط مظاهر و نشانه‌های ماده را مشاهده میکند؛ برای همین هم هست که به اینها دل میبندیم، زیبایی‌های مادی ما را به خود جذب میکند، چشم ما بیش از این را نمی‌بیند وقتی در محیط مادی گرفتار میشود. اگر معنویت را افزایش دادیم، صفای قلب را بالا بردیم، تقرب الی الله را جدی گرفتیم، برای خدا کار کردن را تمرین کردیم و پیش رفتیم، آن روح زلالی که در شما پیش می‌آید، موجب میشود که چشمها باز بشود به مناظر زیباتری، والاتری، عالی‌تری از آنچه از این زیبایی‌ها و مطلوبهای دنیوی در دنیا ما مشاهده میکنیم.

اگر زمین خاکدان پست روزی بر پری، بینی
که گردونها و گیتی‌ها است ملک آن جهانی را (۲)

منظور از این «ملک آن جهانی» فقط بهشت نیست، فقط قیامت نیست؛ در همین دنیا هم هستند و بودند افرادی که با چشم حقیقت‌بین، با چشم معنوی‌نگر حقایقی را در این دنیا دیدند و زندگی خوشی را گذراندند با نگاه به آن مناظر معنوی و الهی و نعمتهای برتر خداوندی؛ به این چیزهایی هم که ماها به آنها پابندیم، غالباً بی‌اعتنا بودند، توجه نداشتند. در این راه میشود حرکت کرد، همه میتوانیم حرکت کنیم؛ این یک راه سنگلاخ و دشوار نیست؛ اگر چنانچه در کارهایمان همین را رعایت بکنیم که ببینیم این اقدامی که میخواهیم بکنیم، این حرفی که میخواهیم بزنیم، این قانونی که میخواهیم تصویب بکنیم، این نظر مشورتی‌ای که میخواهیم بدهیم، این حرکت خدماتی‌ای که انجام میدهیم، برای خدا است، مورد رضای خدا است، اقدام کنیم، و اگر احساس کردیم که مورد رضای خدا نیست، اقدام نکنیم؛ این ملاحظه، این دقت از همه برمی‌آید، از همه‌ی ماها برمی‌آید. [اگر] اقدام کنیم، بتدریج ما را جلو خواهد برد، ما را زلال خواهد کرد، صفای ما را افزایش خواهد داد.



خب، بپردازیم به مسائل مجلس. من چند نکته و مطلب را یادداشت کرده‌ام که به نمایندگان محترم عرض بکنم. البته ما در جلسات سالهای گذشته حرفهایی را که به نظر لازم میرسیده، مفید میرسیده، عرض کرده‌ایم، [لذا] بعضی اش تکراری است، بعضی هم ممکن است تکراری نباشد؛ به‌هرحال آنچه لازم میدانیم عرض میکنیم.

به نظر میرسد که در هر دوره‌ای نمایندگان مجلس و مسئولان عالی مجلس باید سعی کنند که این دوره امتیاز بیشتری کسب کند، برتری‌ای پیدا کند، و کیفیت مجلس را سعی کنند بالا ببرند. خب، اگر بخواهیم امتیاز بیشتری کسب بکنیم، راهش این است که کار بیشتری انجام بدهیم، کار بهتری انجام بدهیم؛ میدان کار و خدمت این جوری است دیگر؛ باید کار بکنیم، باید تلاش بکنیم؛ کار برتر لازم است، اقدام لازم است، عمل اساسی لازم است.

البته جناب آقای لاریجانی (حفظه الله) - ریاست محترم - فهرست خوبی را ارائه کردند - قبلاً هم یک گزارش مکتوبی فرستاده بودند که من مطالعه کردم، دقت کردم - خب، الحمدالله کارهای زیاد انجام گرفته است، منتها یک نکته‌ی مهم این است که شاخص کمی برای ارزیابی کافی نیست؛ اینکه ما چه تعداد مصوبه گذرانیم، کافی نیست؛ بایستی مشخص بشود که وزن این مصوبه‌ها در اداره‌ی کشور چقدر است؛ چون شما مدیر کشوری و قانونگذار کشور و ریل‌گذار حرکت اجرا شما هستید دیگر، یعنی این بخش مهم از مدیریت در اختیار شما است؛ این چیزی که تصویب شده است، چقدر در رفع مشکلات و پیشرفت کشور و رعایت حال عموم مردم تأثیر داشته است؛ پس صرفاً کمیّت کفایت نمیکند، بایستی کیفیت را ملاحظه کرد؛ البته شرایط دیگری هم دارد که عرض میکنیم؛ چیزهای دیگری هم غیر از این معنا لازم است.

به‌طور کلی این را من عرض بکنم: مجلس باید مظهر عزّت ملی و مظهر اقتدار و استحکام نظام باشد؛ مجلس این است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه مجلس، منتخب عموم مردم کشور در جاهای مختلف است که با یک انگیزه‌ای آمده‌اند این شخص را - این برادر را، این خواهر را - انتخاب کرده‌اند. و امام فرمودند که مجلس، عصاره‌ی فضایل ملت است؛ (۳) این نکته، نکته‌ی مهمی است؛ توجه کنید: عصاره‌ی فضایل، نه عصاره‌ی همه‌ی خصلتها! بعضی از خصلتها جزو فضایل نیست. مجلس بایستی عصاره‌ی فضایل ملت باشد. فضایل این ملت هم خیلی زیاد است. مجلس نباید نماد تردید باشد، نماد خودکم‌بینی باشد؛ نباید نماد یأس و نومیدی یا نماد عدم اعتنا و عدم مبالات به مسائل کشور باشد. نباید مجلس نشان بدهد که نگاهش به ظرفیتهای و توانایی‌های ملی، نگاه مایوسانه است؛ این فضایل ملت که باید اینجا عصاره‌ی آنها جمع بشود، این چیزها است.

من حالا باید اظهار تأسفّ کنم که متأسفانه مطالعه‌ی تاریخ در بین جوانان ما، مردم ما یک قدری ضعیف و کم‌رنگ است، و الا اگر انسان تاریخ را بداند، میبیند این ملت، هم در تاریخ برجسته است، هم در زمان حاضر. در تاریخ، ملت ما نماد ایمان، نماد علم، نماد اعتماد به نفس، نماد افتخار به داشته‌های خود و نماد پایداری است؛ در تاریخ این جور است. من یکی دو نمونه با اشاره عرض بکنم؛ ببینید، سلجوقی‌ها در قرنهای پنجم ششم هجری به طرف ایران آمدند؛ یک عده از جنوب به طرف ایران آمدند، یک عده از شمال به طرف آسیای صغیر رفتند. آن جماعتی که رفتند آسیای صغیر، زبان آنها را تغییر دادند، تمدنشان را تغییر دادند، فرهنگشان را تغییر دادند، همه چیزشان را عوض کردند؛ آناتولی قدیم دولت بیزانس را اینها رفتند به آنچه فرهنگ خودشان بود، تبدیل کردند. آنهایی که از جنوب آمدند - که همین سلجوقی‌های ایران هستند - در تمدن ایران و فرهنگ ایران هضم شدند؛ همانها بودند اما اینجا هضم شدند؛



نه فقط در تمدن و فرهنگ ایرانی هضم شدند بلکه ناچار خودشان به مبلغان و مروّجان فرهنگ ایرانی تبدیل شدند. شما نگاه کنید در دوران سلجوقی، هنر ما، معماری ما، شعر ما، نثر ما در چه اوجی قرار دارد! اینها ایرانی نبودند - سلجوقی بودند، بیگانه بودند- اما ایران اینها را در دل خودش هضم کرد؛ معنای اقتدار یک ملت و استحکام یک ملت این است.

عین همین قضیه در مورد مغول پیش آمد؛ مغولها به صورت مهاجم آمدند اینجا و آن کارهایی را که معروف است انجام دادند؛ اما نتیجه چه شد؟ مغولها نتوانستند تمدن خودشان را، فرهنگ خودشان را، یاسای (۴) خودشان را بر این کشور تحمیل کنند بلکه این تمدن، این فرهنگ، آنها را در خودش هضم کرد، شدند مروّج ایمان، مروّج دین، مروّج فرهنگ، مروّج هنر، که یکی از دوره‌های ممتاز تاریخ هنر ما دوره‌ی حکومت مغولی در ایران است. ایران این است؛ سابقه‌ی ما این است.

از این بالاتر بگویم؛ سلحشوران مسلمان که دین عزیز اسلام را به ما دادند - داد یکی دین گرامی به ما - (۵) وقتی رفتند به کشورهای مثلاً شمال آفریقا - حالا آنجا را من مثال میزنم - زبان [آنها] عوض شد، فرهنگ عوض شد؛ ایران که آمدند، زبان [ما] عوض نشد. زبان فارسی در دوره‌ی اسلام رشد و ارتقاء بیشتری از دوره‌ی قبل از اسلام دارد. شما از دوره‌ی قبل از اسلام از نشانه‌های زبان فارسی چه دارید؟ اما دوره‌ی اسلام را شما ببینید که چه اعتلای [دارد]؛ چقدر شعر، چقدر نثر، چقدر فرهنگ! اینها خیلی مهم است؛ روی اینها دقت باید کرد. این مال گذشته است.

در دوره‌ی خود ما، چهل سال است که سخت‌ترین دشمنی‌ها دارد با این ملت میشود، که از این سخت‌تر دیگر؟! واقعاً با هیچ ملتی این اندازه خصمانه برخورد نشده؛ خصمانه و جامع‌الجهات. یک جبهه‌ی احزاب عجیب و غریبی مثل جنگ احزاب صدر اسلام در ابعاد چند میلیون برابر، علیه جمهوری اسلامی تشکیل شده، همه‌جور کاری که توانسته‌اند انجام داده‌اند؛ تحریم کرده‌اند، تبلیغات کرده‌اند، جنگ کرده‌اند، توطئه‌ی امنیتی کرده‌اند؛ همه‌جور کاری که میتوانستند انجام داده‌اند. شما امروز این ملت را مقایسه کنید با چهل سال قبل، اول انقلاب؛ اقتدار این ملت، عظمت این ملت، پیشرفت این ملت، علم این ملت، حضور قوی بین‌المللی این ملت قابل مقایسه‌ی با اول [نیست]. روزبه‌روز پیشرفت کرده؛ ملت، این است. شما عصاره‌ی فضایل این ملتید؛ پس ببینید، بدانید چه‌جوری باید رفتار کنید. این ملت، ملتی است که با ایمان است، با علم است، با اعتماد به نفس است، مستقل است، امتیازات خودش را میداند و بر این امتیازات پافشارد. چهل سال از انقلاب میگذرد.

حالا اینجا نمیشود مفصل تاریخ بگوییم؛ جزو انقلاب‌های بزرگ دنیا در این دو قرن اخیر، دو سه حادثه است؛ یکی انقلاب کبیر فرانسه است، یکی انقلاب کبیر شوروی است، یکی حرکت استقلال طلبانه‌ی آمریکا است که همه‌ی اینها تقریباً در همین دوره‌ی دویست ساله است؛ یعنی حرکت استقلال طلبانه‌ی آمریکا مثلاً حدود دویست و سی چهل سال پیش اتفاق افتاده است - حدود ۱۷۸۳ میلادی - (۶) چند سال بعد هم انقلاب کبیر فرانسه اتفاق افتاده، حدود صد سال بعدش هم انقلاب شوروی اتفاق افتاده؛ اینها مال دوره‌ی نزدیک به ما است. شما اگر تاریخ این انقلابها را ملاحظه کنید، قطعه‌ی چهل سال اول آنها را با چهل سال انقلاب اسلامی مقایسه کنید، انسان از عظمت این انقلاب، پیشرفت این انقلاب، سرعت عمل این انقلاب حیرت میکند. آنها هیچ‌وقت نتوانستند با این سرعت، با این شدت، با این قوت پیش بروند؛ این ربطی به تحولات زمانه و مانند اینها ندارد؛ یعنی تحت تأثیر این چیزها نیست، عوامل دیگری دارد. ملت ایران یک چنین چیزی است و شما عصاره‌ی فضایل این ملتید؛ بایستی با این نگاه به خودتان نگاه



کنید، با این نگاه به مجلس نگاه کنید، توقعاتتان از مجلس را با این نگاه بایستی تنظیم کنید و ان شاء الله برآورده کنید. خب، اینکه حالا نکته‌ی اول بود.

نکته‌ی بعدی این است که قانونگذاری، ریل‌گذاری که اساس کار در مجلس است - البته نظارت هم هست، لکن عمده قانونگذاری است - بایستی روزبه‌روز کیفیتش را بالا ببرید؛ روزبه‌روز؛ یعنی باید هر دوره‌ای بلکه هر سالی کیفیت قانونگذاری بهتر بشود از دوره‌ی قبل و از سال قبل. حالا نکاتی را در مورد این قانونگذاری عرض میکنم.

اولاً اولویت داشتن؛ جناب آقای لاریجانی اشاره کردند که در این قوانین، اولویتهای کشور رعایت شده؛ خب این خیلی مهم است. نگاه کنید ببینید چه اولویت دارد؛ بعضی از قوانین ممکن است مطرح بشود، وقت مجلس را هم بگیرد، یک مسئله‌ای را هم در محیط اجتماعی کشور درست بکند درحالی‌که هیچ اولویتی هم ندارد؛ اینها را باید کنار گذاشت؛ یعنی مثل پولی که انسان احتیاج ندارد و همین‌طور بی‌دریغ خرج میکنند، وقت مجلس را این‌جوری نباید خرج کرد. وقت مجلس محدود است؛ شما چهار سال بیشتر که وقت ندارید، باید از ذره‌ذره و لحظه‌لحظه‌ی این وقت استفاده کرد. بنابراین صرفاً موضوعات اولویت‌دار [مطرح شود].

عملی بودن؛ گاهی اوقات یک قانونی تصویب میشود که معلوم است عملی نیست، یعنی کارشناسی نشان نمیدهد که اگر این قانون تحقق پیدا کرد، این کار عملیاتی خواهد شد؛ [این] کنار گذاشته بشود.

یا بعضی از اوقات، خلاف مصالح کشور است که حالا این قاعدتاً عمداً در مجلس صورت نمیگیرد. همین‌جا من اشاره کنم به این مسائل کنوانسیون‌ها و این معاهدات بین‌المللی. ببینید؛ این معاهدات بین‌المللی که به آن در لغت فرنگی گفته میشود کنوانسیون، در اصل در یک نقطه‌ای پخت‌وپز میشود که اطراف قضیه، من باب مثال آن ۱۰۰ کشور یا ۱۵۰ کشور که بعداً به آن میپیوندند، هیچ تأثیری در آن پخت‌وپز اولیه ندارند. یک جایی بالاخره چند قدرت بزرگ در مجموعه‌های هیئتهای فکری‌شان - به قول خودشان اتاق فکرشان - می‌نشینند برای یک منافع و مصالحی که برای خودشان تعریف کردند، یک چیزی را پخت‌وپز میکنند، بعد این را به وسیله‌ی دولتهایی که همسوی با آنها هستند یا مرعوب آنها هستند یا دنباله‌رو آنها هستند و خیلی منافع هم در این کار ندارند، تصویب میکنند؛ اگر یک دولت مستقلی هم پیدا بشود - حالا مثل جمهوری اسلامی - که مثلاً بگوید «من این را قبول ندارم؛ این کنوانسیون را، این معاهده‌ی بین‌المللی را قبول ندارم»، سرش میریزند که «آقا! ۱۲۰ کشور، ۱۵۰ کشور، ۲۰۰ کشور این را قبول کردند؛ شما چطور قبول نمیکنید؟» کنوانسیون‌ها غالباً این‌جور است.

[گفته میشود] حالا چه کار بکنیم؟ بعضی از این معاهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌ها مواد مفیدی دارند. خیلی خوب، اشکالی ندارد؛ بنده هم در مورد همین چیزهایی که اخیراً در مجلس مطرح شد در این چند ماه اخیر، گفتم مجلس مستقلاً خودش قانون بگذراند. فرض کنیم [موضوع] مبارزه‌ی با تروریسم یا با پولشویی است؛ خیلی خوب، مجلس شورای اسلامی یک مجلس رشید و عاقل و بالغی است و پشتوانه‌های کاری خیلی خوبی هم دارد؛ بنشینند یک قانون بگذرانند؛ این قانون، قانون مبارزه‌ی با پولشویی است، هیچ مشکلی هم ندارد، شرایط زیادی‌ای هم ندارد و همان کاری که خود شماها میخواهید بکنید، در این قانون مندرج است؛ این مهم است. هیچ لزومی ندارد که ما برویم چیزهایی را که نمیدانیم ته آن چیست یا حتی میدانیم که مشکلاتی هم دارد، به خاطر آن جهات مثبت و جنبه‌های مثبت، قبول بکنیم.



خب، قانون باید در پی حل مشکلات مردم باشد؛ اولویتهای داخلی را باید رعایت کند؛ در درجهی اول درصدد رفع مشکل مردم ضعیف و طبقات ضعیف باشد. در کشور طبقاتی هستند که ضعیفند یا متوسطینند یا زیر حدّ توسّطند؛ قانون بیشتر باید متوجه رفع مشکل اینها باشد. البته قانون برای همه است و خیر همهی طبقات کشور را میخواهد -فرقی نمیکند- اما این در اولویت است، چون مسئلهی طبقات ضعیف، مشکلات فعلی زندگی است؛ [قانون] درصدد برطرف کردن این مشکلات باشد. عمده این است که قانون نباید آلت دست صاحبان زر و زور باشد؛ این مهم است؛ آلت دست آنها نباشد. حالا یک وقت یک قانونی شما وضع میکنید که اگر فرض بفرمایید کسی نردبان گذاشت به دیوار خانهی کسی و بالا رفت، قانونش این است که این جور مجازات بشود؛ فرقی نمیکند که نردبان را به خانهی چه کسی بگذارد؛ فقیر باشد، غنی باشد، بالاشهری باشد، پایین شهری باشد، تفاوتی نمیکند، همه از این قانون سود میبرند. قانون برای همه است منتها یک جا یک اولویتهایی وجود دارد؛ نباید اجازه داد قانون در اختیار کسانی قرار بگیرد که از زر و زور استفاده میکنند.

در تنظیم و تصویب قانون، جنبه‌های کارشناسی بشدت باید رعایت بشود. خوشبختانه مرکز پژوهشهای مجلس، مرکز خوبی است؛ گزارشهایی که بنده از این مرکز پژوهشها دارم، خبرهای خوبی را از آنجا به ما منتقل میکنند؛ امکان کارشناسی خوبی در آنجا متراکم و متمرکز است؛ حداکثر استفاده را از آن باید کرد؛ علاوه بر این -که این یک بازوی توانمند کارشناسی مجلس است و از این باید استفاده کرد- بایستی از نخبگان بیرون از محیط مجلس هم استفاده بشود. گاهی شما ملاحظه میکنید در یک مسئله‌ای، در یک حوزهی تخصصی‌ای، یک کسی چند سال مثلاً کار کرده، فکر کرده؛ شما اگر در این حوزهی تخصصی از او مشورت بگیرید، گاهی با یک کلمه‌ی کوتاه، با یک سطر، یک راه‌گشایی بزرگی را انجام میدهد؛ یعنی این جوری است؛ گاهی اوقات کمک نخبگان این جوری است که یک پیشنهاد کوچکشان یک راه‌گشایی بزرگی را انجام میدهد.

گفتیم قانون در پی حل مشکلات واقعی باشد؛ من ملاحظه کردم بعضی از قوانین مربوط به خانواده که در مجلس مطرح است و بحث میشود یا تصویب میشود، انسان احساس میکند که تحت تأثیر و اثرپذیری از رسوم غربی است؛ از این باید اجتناب بشود. غربی‌ها نسبت به خانواده هیچ‌گونه اهمیتی ندارند؛ نه اینکه نخواهند، [بلکه] شرایط و سبک زندگی غربی معارض با خانواده به معنای واقعی کلمه است؛ این را خودشان هم دارند میگویند و سالها است گرفتارش هستند؛ حالا میخواهند علاج کنند و نمیتوانند علاج کنند؛ یعنی بنیاد خانواده، نهاد خانواده در غرب بشدت تضعیف شده است. حالا ما بیاییم چیزهایی را که اینها مثلاً راجع به زن و جوان و فرزند و پدر و مادر و مانند اینها در عرف خودشان دارند، در مسائل مربوط به خانواده راه بدهیم! نه، این مطرح نیست. ما برای خانواده بایستی قانونی را وضع کنیم که به معنای واقعی کلمه، حل‌کنندهی مشکلات خانواده‌ها باشد -[اگر] مشکلاتی وجود دارد، حل‌کنندهی این مشکلات باشد- تأثر از آن منطقه نباشد.

یک نکته‌ی مهم، قانون برای حل معضلات اقتصادی است. همان‌طور که اشاره کردند، یک جلسه‌ای تشکیل شده بحمدالله که رؤسای قوا و عناصری از سه قوه در آن شرکت دارند، برای اینکه به مسائل اقتصادی به‌طور جدی ورود کنند و تصمیم بگیرند و بگردند و راه را باز کنند؛ این خیلی مهم است که این جلسه هم حالا تشکیل میشود. مجلس در همین جهت، حرکت جدی باید انجام بدهد. امروز معضلات اقتصادی کشور در اولویت قرار دارد؛ بایستی این معضلات را به معنای حقیقی کلمه حل کرد. دشمن هم از این نقطه ضعف میخواهد استفاده کند؛ نباید اجازه داد که



یک چنین چیزی را انجام بدهد.

یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی تازه‌گردانی قوانین است. منطق بعضی از قوانین تمام شده است؛ که همین مسئله‌ی تنقیح قوانین است که من قبلاً هم مکرر عرض کرده‌ام. بله چند سال قبل، قانونی در خود جمهوری اسلامی یا قبل از جمهوری اسلامی تصویب شده؛ قانون است لکن الان این قانون منطقی ندارد، این قانون را حذف کنید؛ یعنی مجلس شورای اسلامی میتواند این کار را انجام بدهد، هیچ دستگاه دیگری نمیتواند. قانونی را که منطق ندارد و فلسفه‌ی وجودی‌اش تمام شده است، بایستی رها کرد. بعضی از قوانین هم موجب تضاد و اشکال کار و گره در انجام کارها و مانند اینها هستند. به معنای واقعی کلمه این مسئله‌ی تنقیح قوانین را [دنبال کنید]. بعضی از قوانین مشکل‌زا هستند، باید [آنها را] برطرف کرد. من شنیدم و آن روز هم در یک صحبتی گفتم که وزارت اقتصاد بعضی از مقرراتی را که مانع بهبود وضع کسب و کار در کشور است، دارد حذف میکند؛ (۷) این بسیار کار خوبی است. بعضی از کارها هست که خب مسئول دولتی میتواند انجام بدهد، [اما] بعضی از کارها هست که از عهده‌ی او برنمی‌آید، فقط از عهده‌ی مجلس برمی‌آید؛ این هم یک مطلب.

یک مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی اجرای قوانین است. خب، رئیس محترم مجلس چندی پیش گفتند که فلان قانون را دو سال است که فلان دستگاه اجرا نکرده؛ سؤال بنده این است که خب در این دو سال شما که مجلس هستید، چه کار کردید؟ [اگر] او اجرا نکرد، شما باید دنبال بکنید. چرا اجرا نشود؟ این همه شما خرج میکنید وقت و عمر و پول و امکانات و مانند اینها را برای اینکه این قانون تصویب بشود؛ حالا این قانون بعد از این همه مقدمات، تصویب شده، آن مسئول اجرا نمیکند! خب باید یک فکری برایش بکنید. حالا گفتند بعضی از این عدم اجراها را به قوه‌ی قضائیه ارجاع داده‌اند، آنها هم گفته‌اند که این جزو عناوین مجرمانه نیست؛ خب، اگر چنانچه بخواهید جزو عناوین مجرمانه باشد، چه کسی باید بکند این کار را؟ باز هم خود مجلس باید بکند. (۸) خیر، [کار] قوه‌ی قضائیه نیست؛ قوه‌ی قضائیه بایستی عناوین مجرمانه را تعقیب کند؛ چه کسی میتواند بگوید این جزو عناوین مجرمانه است؟ مجلس شورای اسلامی. مجلس بایستی این کار را انجام بدهد. شما بگویید این تخلف اگر چنانچه این جوری شد، این جرم است و این قدر مجازات دارد، بعد این را بفرستید تا آنها بتوانند عمل بکنند؛ یعنی این کار، کار خود مجلس است. بنابراین مسئله‌ی دنبال‌گیری قوانین هم به نظر ما یک مسئله‌ی بسیار مهمی است که بایستی انجام بگیرد.

یک نکته‌ی دیگری که برای برادران و خواهران عزیز نماینده قابل ذکر است، بحث رفتار نمایندگان است. به نظر من آن کلمه‌ی کئی و فراگیر و جامعی که میشود در این زمینه گفت، کلمه‌ی «انقلابیگری» است. رفتار نمایندگان مجلس باید رفتار انقلابی باشد؛ برخورد باید برخورد انقلابی باشد. شما در سوگندی هم که یاد کردید، این سوگند را یاد کردید که انقلاب، نتایج انقلاب، فرآورده‌های انقلاب و فرآورده‌های نظام جمهوری اسلامی را حفظ کنید؛ چطور ممکن است؟ بدون انقلابی بودن که نمیشود حفظ کرد. رفتار، باید رفتار انقلابی باشد؛ رفتار انقلابی به معنای رفتار غیرمدبّرانه نیست، به معنای رفتار عاقلانه و مدبّرانه و مجاهدانه است؛ حرکت جهادی. اینکه ما به مدیران مرتب توصیه میکنیم «مدیریت جهادی»، این در مورد مجلس، رفتار جهادی است، سخن گفتن جهادی است، اقدام کردن مجاهدانه و جهادی است، انقلابیگری است. روحیه‌ی ایمان و انگیزه‌ی انقلابی باید بر همه‌ی کارهای نماینده‌ی محترم مجلس حاکم باشد. نگرهبانی از دستاوردهای انقلاب و مبانی نظام، جزو سوگند نمایندگی شما است که اگر این انجام نگیرد، حضور نماینده، هم از لحاظ قانونی اشکال پیدا میکند، هم از لحاظ شرعی اشکال پیدا میکند. اگر چنانچه دستاوردهای انقلاب مراعات نشود و دستاوردهای نظام مورد توجه قرار نگیرد، این، هم از لحاظ قانون



اساسی، هم از لحاظ شرع دچار مشکل میشود.

یک مسئله‌ی دیگری که من بارها این را به نمایندگان محترم در دیدارها عرض کرده‌ام و به شما هم عرض میکنم، مسئله‌ی حضور به موقع در کمیسیون‌ها و در صحن مجلس است. گزارشهایی که می‌آید خیلی خرسندکننده نیست در این مورد؛ گاهی گفته میشود که در کمیسیون‌ها امکان رأی‌گیری به‌خاطر به حدّ نصاب نرسیدن حضور نمایندگان نیست؛ بایستی هر نماینده‌ای خود را موظف بداند که در تمام ساعات و دقایقی که لازم است در مجلس باشد یا در کمیسیون باشد، حضور پیدا کند.

یک مسئله‌ی مهمّ دیگری که فقط مسئله‌ی شما نیست، و مسئله‌ی کشور است، مسئله‌ی اشرافیگری است؛ بلای اشرافیگری، بلای بزرگی است. برای بنده تصویر یک ساختمانی را که با پول بیت‌المال در یک نقطه‌ای ساخته شده است آوردند، من حیرت کردم واقعاً که چطور جرئت شده است، چطور دست و دل کسی به او اجازه داده است که پول بیت‌المال را صرف یک چنین چیزی بکند. مسئله‌ی اشرافیگری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزشهایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهای ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید.

یک مسئله هم مسئله‌ی سفرهای خارجی است. سفرهای خارجی را هم هرچه ممکن است، دوستان و برادران و خواهران عزیز رعایت بکنند که واقعاً رفتن به سفرهای خارجی در حدّ ضرورت، در حدّ نیاز [باشد]؛ به صورت دست‌ودل‌بازی در این زمینه نباید حرکت کرد.

بحث نظارت بر نمایندگان را که چند سال پیش ما گفتیم (۹) و نمایندگان مجلس همّت کردند و یک مجموعه‌ی نظارت بر رفتار نمایندگان درست شد، باید تقویت کنید؛ یعنی باید کاری کنید که به معنای واقعی کلمه [نظارت شود]؛ حالا شما نظارت بر دولت و رفتارهای دیگران را که بر عهده‌تان دارید، این به نظر من مهم‌تر از آن است؛ این نظارت بر نقس است، نظارت بر خویشتن است، نظارت بر سلامت مجلس است.

من آنچه احساس میکنم، این است که بحمدالله مجلس شورای اسلامی که یک رکن اساسی از ارکان نظام اسلامی است، تا امروز خوب حرکت کرده و پیش رفته است؛ این حرکت در سمت اهداف انقلاب را هرچه میتوانید تقویت کنید. امروز کشور احتیاج دارد به این استحکام ساخت درونی ملت و ارکان نظام اسلامی. شما ببینید دشمنان شما چه کسانی هستند و با چه روحیه‌ای دارند حرکت میکنند و با چه خبثاتی در مقابل ملت ایران می‌ایستند؛ نه فقط هم [در برابر] ملت ایران؛ ذات اینها [این است]. امروز این مسئله‌ی جدا کردن چند هزار بچه از مادرهایشان در آمریکا یک مسئله‌ی کوچکی نیست؛ مسئله‌ی خیلی بزرگی است. گریه‌ی این بچه‌ها را انسان در تلویزیون طاقت نمی‌آورد بشنود؛ چطور اینها حاضرند به خاطر یک سیاستی، به خاطر یک اجرائی، یک چنین مقدمه‌ی غلط و جنایت‌باری را انجام دهند که چند هزار بچه را از مادرشان [جدا کنند]! اینها این [جور] هستند. اینها همان کسانی هستند که با چند دولت بزرگ و دارای تسلیحات پیشرفته می‌آیند در دریا در مقابل مردم یمن می‌ایستند برای اینکه یک بندر را که محلّ تنقّس مردم مظلوم یمن است، از دست اینها خارج کنند؛ آدم میکشند بدون [هیچ] تردید. این جور نیست که فقط با جمهوری اسلامی بد باشند؛ اینها ذاتاً انسانهای ظالمی هستند؛ دستگاه‌های قدرت ظلمند. بله، با جمهوری اسلامی هم چون عدالت طلب است، چون داعیه‌ی اسلام دارد، داعیه‌ی دفاع از مظلوم دارد، بشدّت مخالفند و این کارشکنی‌ها



را دارند انجام میدهند. باید در مقابل اینها ایستاد؛ بایستی استحکام را حفظ کرد و باید مطمئن بود که به توفیق الهی، به حرمت و جلال و عزت الهی، ملت ایران بر آمریکا و دشمنانش پیروز خواهد شد.

به معنای واقعی کلمه اینها شمرهای این زمانند؛ به معنای واقعی کلمه اینها کسانی هستند که قرآن در حقشان میگوید «إِنَّهُمْ لَأَيْمُنَ لَهُمْ»؛ (۱۰) هیچ عهد و پیمانی در اینها مورد اعتماد نیست - داریم می بینیم دیگر؛ این جلوی چشم ما است - به معنای واقعی کلمه اینها باج طلب و زورگو هستند و بدیهی است که ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی و مسئولان محترم نظام زیر بار هیچ باج طلب و زورگویی نخواهند رفت.

خداوند ان شاء الله شماها را محفوظ بدارد، موفق بدارد، توفیق بدهد که ان شاء الله آنچه را وظیفه است انجام بدهید. بروید ان شاء الله کاری کنید که در صدر جدول باقی بمانید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) پروین اعتصامی. دیوان اشعار؛ قصیده‌ای با مطلع «یکی پرسید از سقراط کز مردن چه خواندستی / بگفت ای بی‌خبر مرگ از چه نامی زندگانی را»
- ۳) صحیفه‌ی امام، ج ۱۲، ص ۳۴۳؛ سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس (۱۳۵۹/۳/۴)
- ۴) کتاب قانون مغولها
- ۵) محمدتقی بهار؛ منظومه‌ی چهارخطابه
- ۶) اعلام رسمی استقلال ایالات متحده‌ی آمریکا از بریتانیا
- ۷) خطبه‌های نماز عید سعید فطر (۱۳۹۷/۳/۲۵)
- ۸) یکی از حضار: قوه‌ی قضائیه [تعقیب کند].
- ۹) بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱/۳/۲۴)
- ۱۰) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «... چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست...»